الزامات همگرایی ایران با سازمان همکاری شانگهای



فائزه مرادی
پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

۱. مقدمه

سازمان همکاری شانگهای در سال ۱۹۹۶ از سوی پنج کشور هم‌مرز چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان با اهداف اعلامی سیاسی-امنیتی در قالب حل اختلاف‌های مرزی و منطقه‌ای، تقویت اعتماد متقابل و خلع سلاح در مرزهای خود و ایجاد کمربند حسن همجواری مرزی، و هدف اعلام نشده ولی موثر «ایجاد موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ناتو» در منطقه تحت عنوان «شانگهای ۵» به وجود آمد؛ در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای چین، اعضا درخواست کشور غیرهم‌مرز با خود یعنی ازبکستان برای عضویت دائم در سازمان را پذیرفتند و به دنبال آن با صدور بیانیه‌ای تشکیل «سازمان همکاری شانگهای» را اعلام کردند. این سازمان در سال ۲۰۰۴ مغولستان و یک سال بعد ایران، هند و پاکستان و سپس افغانستان و بلاروس را به عنوان عضو ناظر پذیرفت. در سال ۲۰۱۷ عضویت کامل هندوستان و پاکستان در این سازمان محقق شد و در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ با عضویت ایران موافقت گردید. ایران از سال ۲۰۰۵ عضو ناظر در این سازمان بوده و با وجود تمایل به عضویت کامل، با این خواسته‌ی ایران به دلیل برخی موانع حقوقی (تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران) و سیاسی (تنش با غرب)، موافقت نمی‌شد. عضویت فعلی ایران در سازمان همکاری شانگهای بدون حق رای است و تحقق عضویت دائم منوط به شرایطی است که طی یک یا دو سال آینده می‌بایست از سوی ایران تأمین شود. ساختار سازمان همکاری شانگهای با غلبه گزاره‌های امنیتی و سیاسی، دارای ابعاد اقتصادی نیز می‌باشد که می‌تواند در صورت درک درستی نسبت به آن، فرصت‌هایی را در حوزه‌های اقتصادی و تجاری برای کشور به ارمغان آورد. بر اساس آمار مرکز تجارت بین الملل، کل حجم تجارت کالایی کشورهای سازمان در سال ۲۰۲۰، حدود ۶ هزار میلیارد دلار بوده است (۱۷.۳ درصد تجارت کالایی جهان). از این حجم تجارت، میزان ۳.۲ هزار میلیارد دلار (۵۴ درصد) مربوط به صادرات و ۲.۷ هزار میلیارد دلار (۴۶ درصد) مربوط به واردات بوده است. کل حجم تجارت درون گروهی کشورهای سازمان در سال ۲۰۲۰، ۶۷۸ میلیارد دلار بوده که از این حجم، میزان ۳۹۹ میلیارد دلار مربوط به واردات و ۲۷۹ میلیارد دلار مربوط به صادرات بوده است. بر اساس این داده‌ها حدود ۱۴.۴ درصد از کل واردات و ۸.۴ درصد از کل صادرات کشورهای سازمان از طریق تجارت درون گروهی تأمین می‌شود.

۲. نهادهای اقتصادی در سازمان همکاری شانگهای

سازمان علاوه بر همکاری در مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی در منطقه، تلاش بلندمدتی را برای ایجاد یکپارچگی

اقتصادی قاره آسیا آغاز کرده که در سه نهاد «شورای بازرگانی»، «کنسرسیوم بین‌بانکی» و «باشگاه انرژی» پیگیری می‌شوند. شورای بازرگانی سازمان در سال ۲۰۰۶ به منظور ارتقای همکاری اقتصادی بین کشورهای عضو و همچنین ایجاد گفتگوی جامع بین محافل تجاری سازمان در مورد مسائل تجاری و سرمایه گذاری، بر اساس تصمیم شورای سران کشورهای سازمان تأسیس شد. شورای بازرگانی سازمان یک نهاد غیردولتی است که وظایف مشاوره‌ای را ارائه می‌دهد و بررسی‌های کارشناسی همکاری‌های تجاری و سرمایه‌گذاری و تعامل تجاری بالقوه در سازمان را به انجام می‌رساند. کنسرسیوم بین بانکی سازمان توسط شورای سران در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵ به منظور تأمین مالی و خدمات بانکی برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری تحت حمایت دولت‌های کشورهای عضو تاسیس شد. حوزه‌های اولویت‌دار کنسرسیوم بین‌بانکی سازمان پروژه‌های زیرساختی، صنایع پایه، با فناوری پیشرفته، صادرات محور و اجتماعی هستند و اعطای وام بر اساس رویه‌های بانکی بین‌المللی صورت می‌گیرد. سازمان در سال ۲۰۰۷، متشکل از سه کشور بزرگ تولیدکننده و صادرکننده انرژی (روسیه، قزاقستان و ازبکستان) و سه کشور مصرف‌کننده و واردکننده انرژی (چین، قرقیزستان و تاجیکستان)، باشگاه انرژی خود را راه اندازی کرد که هدف رسمی آن ایجاد انجمنی برای بحث در مورد همکاری‌های بین دولت‌ها در حوزه انرژی، پیشنهاد پروژه‌های جدید و حل مشکلات در حمل و نقل، تولید و مصرف انرژی ذکر شده است.

۳. برآورد اثرات عضویت ایران

طبق داده‌های مرکز تجارت بین‌الملل، ارزش کل تجارت ایران با کشورهای عضو سازمان تجارت (در سال ۲۰۱۸)، حدود ۲۸ میلیارد دلار بوده که ۲۰ درصد از کل تجارت ایران را شامل می‌شود. جایگاه کشورهای سازمان در صادرات ایران ۱۳.۶ درصد و در واردات ایران ۳۵.۷ درصد می‌باشد. طبق نتایج یک مدل شبیه‌سازی، پیوستن ایران به سازمان، درصورت حذف کامل تعرفه بر روی ۱۳ کالای عمده صادراتی که به طور متوسط ۷۰ درصد از حجم صادرات ایران به اعضای این سازمان را تشکیل می‌دهند، با کاهش کاهش ۲۵ درصدی نرخ‌های تعرفه کالاهای منتخب، اقتصاد ایران بیش از ۵۳۰ میلیون دلار منفعت کسب می‌کند؛ با کاهش ۵۰ درصدی، بیش از یک میلیارد و با کاهش کاهش ۷۵ درصدی، اقتصاد ایران بیش از ۱.۵ دلار منفعت کسب می‌کند. در پی حذف کامل نرخ تعرفه نیز بیشترین میزان خلق تجارت ناشی از این آزادسازی مربوط به ایران خواهد بود که ارزش آن بیش از ۲ میلیارد دلار است.

۴- تجارت درون‌منطقه‌ای و تجارت جهانی

بررسی دامنه درآمد سرانه اعضای سازمان حاکی از تعمیق شکاف درآمدی طی دو دهه اخیر می‌باشد، با توجه به ادبیات تجارت بین‌الملل در خصوص امکان تشدید نابرابری و ناهمگونی درآمدسرانه در صورت همگرایی بین کشورهایی که از حیث توسعه‌یافتگی متفاوت هستند، تفاوت سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی بین اعضای شانگهای، قابل تامل است. در بین اعضای سازمان، دامنه درآمد سرانه طی دو دهه گذشته، نه تنها کم نشده، بلکه شکاف درآمدی عمیق‌تر نیز شده است. در واقع در این بازه زمانی، طیف متنوعی از کشورها با عملکردهای متفاوت در سطوح منطقه‌ای و جهانی مشاهده می‌شود. البته در خصوص عملکرد کل سازمان نظریه محکمی نمی‌توان ارایه کرد؛ چراکه فرایند همگونی و همسان‌شدن درآمد سرانه در بین اعضا متاثر از اقدام‌ها و سیاست اقتصادی اصلاحی مشخص از سوی سازمان نبوده است. ارزیابی شاخص‌های کلیدی اقتصادی اعضای سازمان از جمله وضعیت کلان اقتصادی، تجارت کالا و خدمات و جریان سرمایه‌گذاری خارجی مطابق جدیدترین اطلاعات آماری گویای آن است که تحولات توسعه‌ای شایان توجه‌ای در بسیاری از اعضای سازمان رخ داده است؛ این در حالی است که اوضاع اقتصادی ایران از جمله رشد اقتصادی، تورم و جریان سرمایه‌گذاری در مقیاس جهانی و حتی در بین اعضای سازمان، مناسب ارزیابی نمی‌شود. با تحلیل شرکای طبیعی تجارت کالایی شش شریک نخست جهانی و منطقه‌ای اعضای سازمان، می‌توان اعضا را در سه گروه کشورهایی با اقتصاد بزرگ مبتنی بر توسعه تجارت فرامنطقه‌ای با محوریت چین، کشورهایی با اقتصاد کوچک مبتنی بر توسعه تجارت کاملا درون منطقه‌ای (شش کشور از ۱۲ کشور با اقتصاد کوچک) و گروه کشورهای با تجارت نامتقارن (تولید صادراتی فرامنطقه‌ای و تقاضای وارداتی منطقه‌ای) ازجمله ایران قرار داد. مطالعه روندهای سیاست تجاری اعضای سازمان طی دو دهه گذشته، نشان می‌دهد که بسیاری از اعضا به اقدامات و اصلاحات اساسی کاهشی در سیاست تجاری دست یافته‌اند؛ به طوری‌که سطح تعرفه‌های گمرکی برای برخی اعضا تا یک‌چهارم کاهش یافته است. در این بین، سیاست تجاری ایران با توجه به سطح تعرفه‌های گمرکی بالایی که وضع کرده است، با بی‌ثباتی بالایی

مواجه بوده و تحولات اصلاحی مهمی در آن مشاهده نمی‌شود. نسبت تجارت درون‌منطقه‌ای به‌ترتیب از ترتیبات با درآمدبالا به ترتیبات با درآمد پایین سیر نزولی را طی می‌کند. مطالعه تجارت درون منطقه‌ای (اندازه‌گیری شدت تجارت) سازمان نشان می‌دهد که طی دو دهه گذشته، افزایش شاخص شدت صادرات با رشد سهم صادرات درون منطقه‌ای اعضا هماهنگ بوده است. هر چند سهم صادرات درون منطقه‌ای در بین اعضای سازمان پایین است و به جز تعدادی اعضای با اندازه اقتصاد کوچک، بخش مهمی از صادرات اعضای کلیدی با شرکای فرامنطقه‌ای است، هر چند که روند آن بعد از شکل‌گیری سازمان روبه فزونی گذارده است. محاسبات شاخص شدت صادرات درون‌منطقه‌ای ایران طی دو دهه گذشته گویای آن است که دو تجربه نامتقارن در توسعه تجارت ایران رخ داده است. طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۰ بهبود تجارت درون منطقه‌ای همسو با توسعه تجارت جهانی ایران رخ داده است و لیکن از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ بویژه ۲۰۲۰ با وضع تحریم‌های جدید و شیوع کرونا، علی‌رغم توسعه تجارت درون‌منطقه‌ای ایران، توسعه تجارت جهانی ایران شدیدا روبه افول گذاشته است (انحراف تجارت).

جمع‌بندی

ساختار و وضعیت متفاوت اقتصادی و تجاری اعضای سازمان، فراهم نبودن زمینه همکاری نهادی میان اعضا، اختلاف نظر میان چین و روسیه در سطوح پیگیری اهداف اقتصادی، پیگیری پروژه‌های اقتصادی دوجانبه از سوی اعضا و عدم وجود زیرساخت‌های مالی مورد نیاز در ساماندهی همکاری‌های مالی اعضا از جمله مهم‌ترین موانع همگرایی اقتصادی و تجاری میان اعضاء سازمان تلقی می‌شوند. بی‌ثباتی سیاست تجاری ایران طی دو دهه گذشته به رغم اصلاحات ساختاری کاهشی در سیاست تجاری سایر اعضا، اهمیت تجارت فرامنطقه‌ای برای اعضای کلیدی سازمان در کنار آثار منفی تحریم و شیوع کرونا بر تجارت جهانی، تحقق عضویت کامل ایران در سازمان در گرو عدم بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، ضرورت توجه مذاکره‌کنندگان تیم هسته‌ای به عواقب بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل بر امکان عضویت کامل ایران در سازمان به عنوان تنها نهاد بین‌المللی عاری از نفوذ غرب، لزوم شکل‌گیری چشم‌اندازی واقع‌گرایانه نسبت ظرفیت‌های اقتصادی-تجاری سازمان، لزوم توجه ویژه به اهمیت دو حوزه ترانزیتی و مالی در برخورداری از ظرفیت اقتصادی حداقلی سازمان برای عینیت بخشی به سیاست نگاه به شرق برای ایران، ضرورت توجه به ظرفیت موافقتنامه‌های دوجانبه در بستر سازمان در راستای بیشینه کردن منافع اقتصادی و تجاری کشور ذیل ورود به این نهاد بین‌المللی، لزوم دقت به ظرفیت «ابتکارات اقتصادی و توافقات دوجانبه» در برخورداری حداکثری از زیرساخت‌های اقتصادی حداقلی سازمان، لزوم توجه به اهمیت «کنسرسیوم بین بانکی» در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی ایران در سازمان، ضرورت برخورداری از فرصت‌های لجستیکی پیش روی ایران به واسطه پررنگ نمودن نقش کشور در کریدورهای مرتبط با سازمان و نهایتا فرصت‌های اقتصادی پیش روی ایران ذیل تمایل چین به توسعه برنامه‌های اقتصادی و تجاری در سازمان همگی ضرورت‌های همگرایی بیشتر با این سازمان مهم بین‌المللی را گوشزد می‌کنند.

منبع

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۴۰۰)، «بررسی ابعاد اقتصادی و تجاری سازمان همکاری شانگهای و فرصت‌های پیش روی ایران»، فائزه مرادی، گروه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی خارجی